

The Necessity of the Organization in managing the good and forbidding the evil

Abdulhossein Rezaee'rad*

Abstract

Historical and social experiences have proven that social norms and values even if they are based on solid intellectual and religious foundations, if they are not managed in a proper way, they can be ineffective and have opposite results for the society and become anti-value and abnormality, and the command of good and forbidding evil is not excluded from this issue. This research, referring to the problems and damages that have existed in the implementation methods throughout history, investigates the necessity of managing these two fundamental principles with methods appropriate to today's vast and complex societies. It introduces organizational management as the most efficient method to manage their implementation and first of all, it highlights verses 104 of Surah Al-Imran and 140 of Surah Hajj to confirm the organizational method in a jurisprudential and interpretive way, and the need for the implementation of these two principles requires scientific qualifications. It puts forward ethics as a rational reason to confirm the necessity of organization in their implementation and then, discusses the strengths of organizational management in the implementation of good and forbidding evil using historical evidence in the following three tropics: 1) not having the problems of individual method, 2) the possibility of questioning and answering, 3) having social support.

Keywords: Organizational Management, Organization, Hisbah, Sharia, Community, Commanding the good, Forbidding the bad.

* Associate professor, Dept. of Fiqh, Faculty of Islamic Theology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran, ahrr39@scu.ac.ir.

ضرورت سازمان در مدیریت امر به معروف و نهی از منکر

عبدالحسین رضایی‌راد*

چکیده

تجربه‌های تاریخی و اجتماعی ثابت کرده است که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی حتی اگر بر مبنای عقلی و شرعی محکمی استوار باشند. اگر به شیوه‌ای درست مدیریت نشوند می‌توانند بی‌نتیجه و بلکه دارای نتایج معکوس برای جامعه باشند و به ضد ارزش و ناهنجاری تبدیل شوند و امر به معروف و نهی از منکر نیز از این مسئله مستثنا نیست. این پژوهش با اشاره به مشکلات و آسیب‌هایی که در روش‌های اجرای امر به معروف در طول تاریخ وجود داشته است ضرورت مدیریت این دو اصل بنیادی را با شیوه‌های متناسب با جوامع گسترده و پیچیده امروزی مورد تحقیق قرار می‌دهد و مدیریت سازمانی را به عنوان کارآمدترین روش برای مدیریت اجرای آنها معرفی می‌کند و ابتدا از آیات ۱۰۴ سوره آل‌عمران و ۱۴۰ سوره حج برای تأیید روش سازمانی به روش فقهی و تفسیری استظهار می‌کند و نیازمندی اجرای این دو اصل به صلاحیت‌های علمی و اخلاقی را نیز به عنوان دلیلی عقلی در تأیید ضرورت سازمان در اجرای آن‌ها مطرح می‌سازد و سپس نقاط قوت مدیریت سازمانی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر را با استفاده از شواهد تاریخی در سه عنوان زیر به بحث می‌گذارد.

۱. نداشتن مشکلات روش انفرادی؛ ۲. امکان پرسش‌گری و پاسخ‌گویی؛ ۳. داشتن پشتوانه اجتماعی.

واژگان کلیدی: مدیریت سازمانی، تشکیلات، حسبه، شریعت، اجتماع، امر به معروف، نهی از منکر.

* دانشیارگروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
ahr39@scu.ac.ir

۱. مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر دو اصل از اصول دینی و مذهبی هستند و ضرورت و وجوب آنها مورد اتفاق همه فرق مسلمانان (حلی ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱) و بلکه همه عقلای جهان است (الغزالی، ۱۳۵۲ق، ج ۲، ص ۴۴۳ و النجفی، ۱۳۶۷ش، ص ۳۵۸) و در علوم اجتماعی نیز با عناوینی چون کنترل اجتماعی^۱ و نظارت اجتماعی (کوئن، ۱۳۹۵ش، ص ۱۹۸؛ گولد و کولب، ۱۳۸۴ش، ص ۷۰۵-۷۰۶؛ پیرو، ۱۳۷۰ش، ص ۳۴۸؛ آبروکرومبی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۰) و حفاظت از هنجارها و ضمانت اجرای قانون و مانند آنها از آن یاد می‌شود و بر ضرورت آن تأکید می‌شود (کاوه، ۱۳۹۳ش، ص ۲۷ و ۲۸).

در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان دو راهکار اساسی برای ضمانت اجرای احکام و دستورات دینی مطرح شده است و بر آن تأکید فراوانی می‌شود (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۱۲، ۶۷، ۷۱ و سوره اعراف، آیه ۷) تا به حدی که اهمیت احکام دیگر در قیاس با آنها به قطره در برابر اقیانوس تشبیه شده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م، ج ۱۹، ص ۳۰۶) و اجرای همه احکام و تحقق هدف تمامی پیامبران الهی به اجرای این دو فریضه وابسته شده است (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۹۷ و ری شهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۵۵، حدیث ۱۲۳۸۷ و ۱۲۸۸). با این وجود، همین دو فریضه نیز در طول تاریخ به کلی مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار گرفته‌اند و گلابه‌های بسیاری از متروک و تعطیل شدن آنها وجود داشته است (همراه دوست، ۱۳۷۷ش، ص ۱۰۹ و رشیدرضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۰ و آیتی، بی‌تا، سرتاسر کتاب و غزالی، ۱۳۵۲ق، ج ۲، ص ۴۴۲ و مطهری، بی‌تا، ص ۷۰۹، p2, 2003, shafaat) یا به نحو مطلوبی به اجرا در نیامده‌اند (رضایی‌راد، ۱۳۸۹ق، ص ۷۳-۱۰۰) و تجربه تاریخی ثابت کرده است که اگر برای اجرای این دو راهکار، برنامه‌ها و تمهیدات لازم پیش‌بینی نشود همین دو فریضه که ضمانت اجرای سایر احکامند، خود نیز به فراموشی سپرده شده یا حتی نتیجه معکوس داده و در مقابل اهداف دین ایفای نقش می‌کنند (رضایی‌راد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹-۱۳۴).

۲. بیان مسئله

مسئله‌ای که پژوهش حاضر درصدد اثبات آن است این است که در جوامع پیچیده و بزرگ امروز نمی‌توان اجرای شریعت و امر به معروف و نهی از منکر را صرفاً با روش فردی و اعمال پراکنده و واکنش‌های لحظه‌ای افراد تحقق بخشید و این دو فریضه عظیم و چند لایه را به فرایض عبادی

دیگری چون نماز و روزه تشبیه کرد و با نگرش فرد گرایانه‌ای که تنها در جوامع ساده و کوچک گذشته قابل اجراست به آنها نگریست و اهداف آنها جز با اجرای تشکیلاتی و مدیریت و سازماندهی قابلیت دستیابی ندارد یا در حد بسیار ناچیزی قابل دستیابی است و ژرف‌نگری در ادله نقلی و عقلی این دو فریضه و نیز تجربه‌های تاریخی اجرای این دو اصل بر این مطلب صحه می‌گذارد.

مقصود گوینده، نفی ضرورت روش انفرادی در کنار روش سازمانی نیست؛ لیکن در صورت اکتفا به روش انفرادی و بی‌توجهی به مدیریت آن و هدفمندسازی و بروز برخورد‌های سلیقه‌ای و جاهلانه اجتناب‌ناپذیر است و اینجا است که ضرورت روش سازمانی در کنار روش فردی احساس می‌شود.

همچنین شایان ذکر است که روش سازمانی لزوماً به معنای دولتی شدن نیست و روش دولتی نیز از آفات بسیاری رنج می‌برد (رضایی‌راد، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۱۳) بلکه مقصود روشی است که با استفاده از کار گروهی و منسجم و هدفمند به فعالیت می‌پردازد و بی‌شک، کار گروهی و منسجم در قیاس با کار انفرادی موفق‌تر کارآمدتر و از خطا و انحراف در امان‌تر خواهد بود.

پژوهش پیش رو می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که چه راهکارهای علمی را می‌توان با بهره‌گیری از مفاهیم نوظهوری که در علوم اجتماعی مطرح است مانند سازمان و مدیریت سازمانی برای اجرای این دو فریضه طراحی کرد؟ و اهداف این دو فریضه با روش سازمانی و اجرای تشکیلاتی تا چه اندازه دست‌یافتنی است و این شیوه در قیاس با روش انفرادی و غیرسازمانی تا چه میزان نتیجه‌بخش است و بر موازین شرعی و ادله فقهی قابل تطبیق است.

۳. پیشینه تحقیق

در جامعه‌شناسی امروزی مبحث کنترل اجتماعی^۱ یا نظارت همگانی از مباحث رایج در جامعه‌شناسی است و تحت دو عنوان رسمی و غیررسمی مطرح می‌شود و مؤلفان متعددی در این زمینه قلم زده‌اند مانند (کوئن، ۱۳۹۵، ص ۱۹۸ و گولد و کولب، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۰۵-۷۰۶ و آبروکرومبی، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸۴ و آلن، ۱۳۷۰، ص ۳۴۸؛ Moriss janowitz, 1975, pp 82-108)، اما تطبیق مباحث جامعه‌شناختی این موضوع با مبانی دینی و تلاش در استفاده از مطالعات جامعه‌شناختی در کشف راهکارهای نوین اجرای امر به معروف در دیگر آثار دیگر سابقه ندارد و می‌تواند از نوآوری‌های این تحقیق به شمار آید.

1. social control

در آثار فقهی شیعه مبحث امر به معروف و نهی از منکر، گاه، تحت همین عنوان (برای نمونه بین شهید ثانی، بی تا، ج ۲؛ امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۲، مبحث امر به معروف و نهی از منکر) و گاه، تحت عنوان حسبه (برای نمونه بین شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۷؛ الجزائری، بی تا، ص ۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۰ق، ج ۲، ص ۴۲؛ گلپایگانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۱۴) کم و بیش، مورد توجه بوده؛ اما نگرش سازمانی و گروهی به این وظیفه مطلقاً مطرح نبوده و صرفاً به عنوان یک وظیفه فردی مانند نماز و روزه به آن نظر افتاده و احکام براین اساس بنا نهاده شده است و حتی پس از انقلاب اسلامی در ایران با وجود نشر آثار بسیاری در این موضوع، آثاری که بر شیوه‌های اجرای این دو اصل متمرکز شده باشد و کاری جدی در زمینه روش‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر را به انجام رسانده باشد مشاهده نمی‌شود حتی در کتاب فقه امر به معروف و نهی از منکر استاد حیدر حب الله که مفصل‌ترین کتاب در این موضوع است و از آن به عنوان یک پدیده در آثار مرتبط با این مبحث یاد می‌شود نیز توجهی به بررسی روش‌ها نشده است و این امر به تحقیق‌های میدانی واگذار شده است (حب الله، ۱۳۹۶ش، ص ۳۱-۴۰) اما این تحقیق می‌کوشد گامی در این جهت بردارد. تنها در یکی از مسائل تحریر الوسیله امام خمینی رحمته الله علیه می‌توان اشاره‌ای به این مطلب یافت؛ آنجا که می‌فرماید: هرگاه انجام این وظیفه، توسط یک فرد، میسر نبود و نیاز به کمک دیگران داشت وظیفه ساقط نیست و فرد، موظف است از دیگران کمک بگیرد و دیگران نیز موظفند به او کمک کنند (امام خمینی، بی تا، ص ۴۶۲).

گرچه معلوم است که مؤلف این اثر ارجمند به تفکر سازمانی و آنچه در علوم اجتماعی امروز از سازمان مورد نظر است، نظر ندارد؛ اما همین اشاره مختصر می‌تواند سنگ نخستین نظریه امر به معروف سازمانی و تأییدی بر آن باشد. اینکه مفهوم سازمان به معنای نهادها و نظام‌های غیر از دوران معاصر قابل تطبیق باشد یا خیر دو دیدگاه شایع وجود دارد؛ اما ورود به این مبحث و داوری در میان آنها در این تحقیق ضرورت ندارد؛ زیرا سازمان‌های موجود در گذشته تنها به عنوان سنگ نخستین و الگوهای ابتدایی مورد اشاره‌اند و بیش از جرقه‌های نخستین در تأیید ضرورت کار گروهی کمکی به مقصود این تحقیق نمی‌کنند.

در منابع اهل سنت مبانی امر به معروف در کتب اعتقادی مطرح شده و این فریضه به عنوان یکی از اصول مورد بحث قرار گرفته (الجوینی، ۱۳۶۹ش، ص ۳۶۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۷۲؛ الجرجانی، ۱۳۲۰ق، ج ۷، ص ۳۷۴؛ بنی‌حسینی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۴۴۵-۴۴۶) اما احکام و فروع فقهی آنکه بیشتر به بحث امر به معروف دولتی اختصاص داشته است. در آثار فقهی اهل سنت، با عنوان "حسبه" یا "احتساب" به عنوان زیر شاخه‌ای از مبحث "احکام سلطانیه" مطرح

شده است، (برای نمونه ببین بصری ماوردی، احکام السلطانیة بخش حسبه و ابن اخوه، معالم القرية فی احکام الحسبه) اما در این آثار نیز به معنای دقیق کلمه تفکر سازمانی در اجرای این وظیفه مطمح نظر نبوده و نهاد حسبه که به ظاهر، عهده‌دار اجرای امر به معروف و نهی از منکر بوده صرفاً به‌عنوان نهادی حکومتی و بازوی اجرایی حکومت مطرح بوده و به پیامدها و آفات دولتی شدن این دو فریضه و تجربه‌های بسیار ناگوار دولتی شدن این دو فریضه نظر نیافکنده‌اند.

۴. معرفی روش سازمانی

امروزه در جامعه‌شناسی، مقصود از سازمان‌های رسمی گروه‌هایی از افراد هستند که برای دستیابی به هدفی مشخص کوشش‌هایشان را سازماندهی و منسجم می‌کنند. سازمان‌های رسمی معمولاً بزرگ هستند و با قواعد و سلسله‌مراتبی مشخص و برخوردار از اقتدار و مسئولیت می‌باشند؛ اما سازمان‌های غیررسمی عموماً کوچک هستند و هدف‌های مشخصی ندارند و یا از روی یک رشته قواعد و عملکردهای دقیق و حساب شده‌ای کار نمی‌کنند (بروس کونن، ۱۳۹۵ش، ص ۳۰۳).

تالکوت پارسونز، در کتاب ساختار و فرایند در جوامع مدرن، می‌گوید: سازمان، واحدی اجتماعی است که عامدانه ساخته و بازسازی شده است تا حصول به اهدافی مشخص، ممکن شود. بر این اساس می‌توان گفت: سازمان، یک نهاد مستقل است که یک مأموریت خاص دارد و می‌تواند با نیت انتفاعی یا غیرانتفاعی تأسیس شده باشد. یک سازمان، یک ماهیت اجتماعی است که دارای ساختار، اهداف و مرز مشخصی است و همین مطلب است که مسئله این تحقیق را آشکارتر می‌سازد و ضرورت هدفمندسازی و انسجام‌بخشی به امر به معروف و نظارت بر فعالیت‌های پراکنده و سلیقه‌ای و عوامانه و اصلاح آنها را در قالب یک سازمان و با مدیریت سازمانی نشان می‌دهد.

فردیناند تونیس،^۱ جوامع را به لحاظ شاکله جوامع از نظر پایه‌های روابط و مناسبات بین افراد و ساختارهای جامعه دو گونه دانسته‌اند: جوامع سنتی و تشکل یافته در محیط‌های کوچک در قالب دهکده و روستا که در این جوامع افراد یکدیگر را می‌شناسند و رابطه صمیمی و عاطفی بین آنها رواج دارد و در چنین جوامعی کنترل‌های اجتماعی در بیشتر موارد غیررسمی و مبتنی بر شرم و حیاست. افراد پشتوانه عاطفی و مالی و جانی هم بوده و در سلسله مراتب سنتی، حریم افراد پاس داشته می‌شود. در مقابل، جوامعی وجود دارند که درگستره وسیع‌تر، در قالب شهر و بزرگ‌تر از آن شکل می‌یابند؛ در این جوامع روابط، مبتنی بر عقلانیت و حساب‌گری و غیرعاطفی است و ضوابط و قوانین رسمی کنترل‌کننده است (خیری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۴۳).

1. Ferdinand Tönnies

ساختار متفاوت جوامع، مستلزم تفاوت در اقدام است. در جامعه دارای تعلقات اجتماعی قومی و قبیله‌ای ملتزم‌سازی افراد با بهره‌گیری از کنترل‌های غیررسمی و اقتدار برخی افراد قابل تحقق است؛ در حالی که در جوامع امروزی تعلقات قومی عشیره‌ای کاهش یافته و وساحت‌گزینش‌گری افراد افزایش یافته است. بنابراین اثربخشی کنترل‌های غیررسمی کاهش یافته و کمتر می‌توان با بهره‌گیری از امور اخلاقی، اصلاح رفتاری ایجاد کرد. ولی نقش کنترل‌های رسمی سازمانی و تعلقات تشکیلاتی و حزبی و سازمان‌های مردم‌نهاد افزایش یافته است (همان، ص ۲۴۷).

در جوامع اسلامی نیز این تحول ساختاری قابل مشاهده است و بر این اساس، روش اجرای امر به معروف نیز به موازات تغییر ساختار جامعه از سنتی به پیچیده از روش انفرادی به روش سازمانی و گروهی و قانون‌مدار تبدیل می‌شود با بررسی دقیق آثار تاریخی می‌توان رد پاهایی از حسبه سازمانی را در لابه‌لای تاریخ جوامع اسلامی مشاهده کرد هرچند حتی در این موارد نیز حسبه به معنای دقیق کلمه به‌عنوان یک سازمان اجتماعی آن چنان که در علوم اجتماعی امروز بحث می‌شود نمی‌توان مطرح کرد؛ اما شاید به‌عنوان یک الگوی ساده از حسبه سازمانی قابل بررسی تاریخی باشد.

گروهی که عهده‌دار این عمل بود به «حسبه» معروف بود و کسانی که در این گروه مأمور اجرای امر به معروف و نهی از منکر بودند «مُحْتَسِب» نامیده می‌شدند (ابن خلدون، ۱۳۵۲ ش، ص ۲۲۶). هر چند کاربرد «حسبه» و «مُحْتَسِب» به معنای اعم آن (که شامل کسانی که داوطلبانه به این وظیفه اقدام می‌کنند نیز می‌شود) هم قابل انکار نیست؛ ولی کاربرد آن به معنای سازمانی که عهده‌دار این کار بوده هم قطعی و مسلم است (بصری، ۱۹۰۸ م، ص ۲).

زمان تأسیس اولین سازمان حسبه هم به طور دقیق روشن نیست و در این مورد، نظرهای متفاوتی ارائه شده است (بادکوبه، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۵، ص ۱) بعضی از مؤلفان تا هفت نظریه را در این زمینه مورد بحث قرار داده‌اند (ر.ک: صرامی ۱۳۷۷ ش، ص ۲۸۹؛ سری، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵۱؛ بادکوبه، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۵-۳۰ و ص ۱۱۵-۱۲۰ و میانجی، ۱۳۶۳ ش، ص ۱) اما آنچه که درست‌تر به نظر می‌رسد این است که در کشورهای اسلامی نخستین بار این سازمان، در زمان «مهدی» خلیفه سوم عباسی (۱۵۹ ق، ۷۷۵ م) به وجود آمد (ابراهیم حسن، ۱۳۷۰، ص ۴۹۸؛ ابن خلدون، ۱۳۵۲ ق، ص ۲۲۶؛ الشیخی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۷؛ صرامی، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۶؛ علی، ۱۳۵۲ ش، ص ۳۶۱ و نیز مراجعه شود به یعقوبی، ۱۳۷۷ ق، ص ۳) هر چند تأسیس این سازمان در عهد امویان در شهر «واسط» هم گزارش شده است (میانجی، ۱۳۶۳، ص ۱۰ و الشیخی، ۱۳۶۲ ق، ص ۱۲۰).

در این روش، وظیفه نظارت اجتماعی یا امر به معروف توسط گروهی منسجم و با مسئولی مشخص و سلسله مراتب معین به ایفای این وظیفه می‌پردازند و چنین نیست که تک‌تک افراد جامعه بدون اخذ مجوز از سوی کسی یا مقامی و به‌عنوان یک وظیفه شخصی مانند نماز و روزه عهده‌دار این فریضه باشد (رضایی‌راد، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۴۵ تا ۱۶۶).

توسعه تدریجی سرزمین‌های اسلامی و پیچیده‌تر شدن مسائل اجتماعی و عوارض ناشی از اجرای انفرادی فریضه امر به معروف که جامعه اسلامی را متقاعد کرد که اجرای این وظیفه خطیر، بدون اتحاد و تشکیلات میسر نمی‌گردد و لذا به فکر جلب همکاران و دستیارانی افتادند (الشیخلی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۰ و بادکوبه ۱۳۷۶ ش، ص ۱۵۰).

«سازمان اداری شهرهای اسلامی دو گروه بود یکی سازمان وابسته به حکومت مرکزی و متشکل از سپاهیان و دبیران و مأموران مالی که به طور معمول از مردم شهر نبودند و دیگری سازمان وابسته به مردم بومی بود و از رئیس و عالمان دینی و احياناً قاضیان و اعضای خاندان‌های برجسته شهر شکل می‌گرفت و محتسبان معمولاً از گروه اخیر انتخاب می‌شدند تا با آشنایی از وضعیت شهر و بازار وظیفه خود را به درستی انجام دهند» (بادکوبه، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۴).

آن بخش از سازمان حسبه که مردمی بود و غیر وابسته به دولت و سلطان بود، منصبی دینی و زیر نظر خلیفه و از نوع منصب قضاوت بود گرچه خلیفه نیز می‌تواند بخشی از حکومت به معنای اعم آن به حساب آید؛ اما منصبی بود که کمتر وجهه اجرایی داشت و بیشتر از آنکه مقامی حکومتی باشد شخصیتی دینی داشت و نقشی مشابه نقش رهبر در ایران را ایفا می‌کرد.

حسبه در بعضی از دوره‌ها توسط قاضی رهبری می‌شد (لقبال، ۱۹۷۱ م، ص ۳۰-۳۱). در بعضی از دوره‌ها مستقیماً زیر نظر خلیفه عمل می‌کرد؛ اما با این وجود حتی حق امر به معروف نسبت به خلیفه را نیز داشت (بیانی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۵۵۴؛ ابن‌کثیر، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۹۴؛ المقریزی، ۸۵۶ ق، ج ۱، ص ۴۶۳ و ۴۶۴؛ ابن‌خلدون، ۱۳۵۲، ص ۲۲۶ به بعد؛ Bearman، ۲۰۱۷، ذیل واژه حسبه؛ ابراهیم، ۱۳۷۰ ق، ج ۱، ص ۴۳۶). در حقیقت می‌توان گفت که «حسبه» بخشی از وظایف منصب قضا بود که به دلیل اشتغالات زیاد قاضی به دایره مجزایی محول می‌شد. این دایره مجزا، بعدها گسترش یافته و از قاضی مستقل می‌شود (ابن‌خلدون، ۱۳۵۲ ق، ص ۲۲۶؛ بصری، ۱۴۰۶ ق، ص ۷۱-۷۲) و زیر نظر سلطان یا وزیر قرار گرفته و ریاست آن از سوی یکی از این دو تعیین می‌گردد؛ ولی این اتفاق در عهد عباسیان به ندرت رخ می‌دهد (بادکوبه، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۲۹).

موارد ذکر شده در اکثریت منبع‌های تاریخی بیشتر ناظر به زمان‌هایی است که خلافت اسلامی بر روی کار بوده و حکومت‌ها حداقل به ظاهر خود را مقید به اسلام و دستورات اسلامی می‌دانستند

با این وجود حتی در مقاطعی که حکومت‌های منسوب به اسلام هم منقرض می‌شوند سازمان حسبه، کم و بیش به حیات خود ادامه می‌دهد.

۵. دلایل مؤید روش سازمانی

با آنکه این روش به دلیل مشکلات و موانع عملی و اجرایی نتوانست آنچنان‌که باید و شاید به حیات خود ادامه دهد و مهم‌ترین این اشکالات تداخل کاری این نهاد با وظایف و اختیارات حکومت‌ها بود که باعث عدم حمایت دولت‌ها و بعضاً مزاحمت و مبارزه با این نهاد می‌شد و ما در آثار دیگر خود به این مشکلات اشاره کرده‌ایم (برای نمونه ر.ک: رضایی‌راد، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۳). اماروش سازمانی می‌تواند به‌عنوان بهترین روش از روش‌هایی باشد که در طول تاریخ برای اجرای شریعت و امر به معروف و نهی از منکر به کار گرفته شده است و این مطلب با دلایل زیر قابل اثبات است:

۵-۱. آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (قرآن کریم، آل عمران، آیه ۱۰۴) یکی از دلایل وجوب امر به معروف است و برای وجوب کفایی آن نیز مورد استناد قرار می‌گیرد.

کسانی که این آیه را برای کفایی بودن وجوب امر به معروف مورد استناد قرار داده‌اند «من» را تبعیه گرفته (زمخشری، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۶ و نیز ر.ک: مبحث امر به معروف سایر منابع فقهی و تفسیری، ر.ک: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱) و چنین معنی کرده‌اند که باید تعدادی از شما متصدی این وظیفه باشند و امر به معروف و نهی از منکر را به اجرا درآورند. براساس قواعد عربی معنای «من»، منحصر در معنای تبعیه نیست و یکی دیگر از معانی «من» ابتدای غایت است مانند ذهبت من مکه الی کوفه که در این معنا «من» ابتدای یک مسیر را بیان می‌کند و می‌توان در آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ...» احتمال معنای ابتدای غایت را راجح دانست و در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود که باید گروهی که از جانب و سمت شما حرکت کرده باشند وجود داشته باشد که امر به معروف کنند و این تعبیر و سیاق می‌تواند کنایه از داشتن اذن از سوی جامعه و ملت باشد.

مؤلف، منکر این مطلب نیست که «من» در لغت عرب معانی دیگر نیز دارد و احتمال معنای جنسیت نیز می‌توان داد مانند آنچه در آیه شریفه «... فَيَكُفِّرُ رَسُولًا مِنْكُمْ» (بقره، آیه ۱۵۱) است در این آیه من به معنای جنسیت است مانند؛ «خاتَمِ مِنَ فَضْهِ»، انگشتی از جنس نقره و مقصود آن است که رسول از جنس شما است بر این اساس است که از آن آیه نمی‌توان برداشت کرد که رسالت نیاز به اذن از جانب مردم دارد؛ اما براساس قواعد عربی «من» معانی دیگر نیز دارد و یکی از آنها معنای ابتدای غایت است.

گرچه مؤلف، منکر احتمالات دیگر در معنای من نیست؛ اما قرینه به کار رفتن کلمه «امت» به جای «جماعت» این معنا را تقویت می‌کند همچنان که پس از این نیز توضیح داده خواهد شد. دقت در معنای امت و تفاوت آن با ملت و جماعت می‌تواند در تقویت و تأیید این استدلال مفید باشد قرآن کریم کلام الهی و معجزه بلاغت است و انتخاب هر کلمه نمی‌تواند بدون حکمت و غرض و مقصود مشخصی باشد و بار معنایی امت براساس تحقیقات محققان با جماعت و ملت متفاوت است و امت به خلاف مفهوم ملت و جماعت که صرفاً بیانگر تعداد هستند و پیوند ارتباطی آنها مکان واحد یا حاکمیت واحد است (رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۶ و ۳۷). امت گروهی از انسان‌ها هستند که یک عقیده و شیوه زندگی واحد آنها را به هم پیوند داده است و دارای امام و رهبر نیز هستند (جوان آراسته، ۱۳۷۹ش، ص ۱۵ و نیز ر.ک: شریعتی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۵ و نیز قرشی، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۱۱۸). و به قول رشید رضا جماعت، افرادی هستند که با همدیگر و با سایر افراد دیگر جامعه ممکن است ارتباطی نداشته باشند؛ اما امت نسبت به سایر اعضای جامعه مثل اعضای بدن هستند و به‌عنوان نماینده عموم مردم اقدام می‌کنند و لذا امتی که متصدی امر به معروف می‌شود امتی صغیره است که نماینده و برگزیده امت کبیره است (رشید رضا، ۱۴۲۲، ص ۳۶، ۳۷) و امت کبیره با انتخاب امت صغیره سهم خود را در ایفای این وظیفه انجام می‌دهد و سایر امور را به این امت صغیره محول می‌کند و البته این امت صغیره تحت نظارت امت کبیره است و در صورت تخلف از وظیفه بار دیگر انتخاب نشده و یا عزل می‌شود و بدین‌سان این دو امت با هم به تعامل و تضامن می‌پردازند (رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷).

رشید رضا، ضمن تشبیه امت صغیره به مجالس نمایندگان در کشورهای دموکراتیک تأکید می‌ورزد که باید همه قوای کشور تابع این امت صغیره باشند و بازوهای اجرایی آن گردند و این گروه ضمن ارائه قوانین و نظارت بر اجرای آنها وظیفه خطیر امر به معروف را به اجرا می‌رساند (رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶).

با این پیش فرض، انتخاب کلمه امت برای گروهی که اجرای امر به معروف را به عهده دارند می‌تواند اشاره به گروهی هم سو و هماهنگ و همفکر باشد که با هدف و برنامه معین و هماهنگ به انجام کاری اقدام می‌کند نه به صورت پراکنده و ناهماهنگ و سلیقه‌ای و شخصی و اگر چنین معنایی مدنظر باشد به معنای امروزی سازمان و آنچه مدنظر مؤلف است نزدیک تر می‌شود.

۵-۲. آیه ۴۱ سوره حج

اگر بنا است امر به معروف در همه زمینه‌ها به اجرا در آید و در حد امور جزئی و سطحی، منحصر نباشد بی‌شک به قدرت و امکانات کافی نیازمند است؛ زیرا برای مبارزه با منکرات پیچیده و

تشکیلاتی از جمله مبارزه با ظلم ظالمان و حيله‌های سیاستمداران ناصالح، امر به معروف بدون تشکیلات قوی و منسجم کاری از پیش نمی‌برد.

در قرآن کریم نیز انجام امر به معروف به داشتن مکنت مشروط گردیده است «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (قرآن کریم، حج، آیه ۴۱) و ما می‌دانیم که در صورت اجرای انفرادی این وظیفه مکنت و قدرت به حداقل می‌رسد و تنها با اتحاد و تشکیلات و تعاون است که مکنت به معنای حقیقی کلمه به وجود می‌آید (از اتحاد جمع نیروشان هویدا می‌شود) و به تعبیر خود قرآن در آیه‌ای دیگر، بَرِّ وَتَقْوَا رَا بَايِدْ بَا تَعَاوَنَ بَهْ اِنجَامِ رَسَانِدِ «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مانده، آیه ۲) و لذا با جمع میان این دو آیه می‌توان فهمید که تنها در صورتی وظیفه امر به معروف انجام می‌شود که تعاون و کار گروهی و سازمانی و تشکیلات وجود داشته باشد و در غیر این صورت به دلیل عدم مکنت و توان کافی این وظیفه ساقط شده یا بی‌نتیجه می‌ماند^۱ یا تأثیر آن به حداقل می‌رسد.

ممکن است کسی در مقام اشکال به این دلیل بگوید که این معیار، قابل تسری به سایر مصادیق بَرِّ وَتَقْوَا از جمله نماز و زکات نیز هست و بنابراین استدلال باید گفت که نماز و زکات نیز باید به روش تشکیلاتی به انجام رسد. در پاسخ می‌توان گفت اگر مقصود از آیه اول پرداخت شخصی زکات یا برگزاری شخصی نماز باشد شاید اشکال مستشکل وارد باشد و بتوان با آن بر استدلال مؤلف خرده گرفت؛ اما اگر آیه را نه به معنای انجام فریضه نماز و ادای زکات، بلکه به معنای اقامه و برقراری و ترویج و نهادینه کردن آن در جامعه تفسیر کنیم بر استدلال مؤلف خدشه‌ای وارد نمی‌آید؛ زیرا اگر ادعا شود که برای اقامه و نهادینه کردن نماز و زکات در جامعه هم تشکیلات و سازمان بهترین گزینه است و بدون وجود تشکیلات و سازمان اقامه و احیای این دو فریضه مهم در جامعه غیرممکن یا بسیار دشوار خواهد شد ادعایی بعید نخواهد بود حتی اگر با اندکی مامشات و صرف نظر از اشکالاتی که در روش انفرادی قابل پیش‌بینی است ضرورت وجود

۱. این استدلال را می‌توان به صورت یک قیاس شکل اول به شرح زیر بیان کرد:

صغری: وجوب حسب مشروط به تمکن به انجام حسب است.

کبری: هر تمکن به انجام حسب مشروط به تعاون است.

نتیجه: وجوب حسب مشروط به تعاون است.

ناگفته نماند صرف نظر از این قیاس شکل اول و بدون نیاز به ساختن چنین برهانی صرفاً با استناد به آیه تعاونوا هم می‌توانیم وجوب سازمان را برای امر به معروف استنباط کنیم؛ زیرا حسب مصادق «بر» است و در این آیه امر به تعاون بر کارهای بار شده است و اگر امر را به معنای وجوب بدانیم معنای آیه وجوب تشکیل سازمان و گروه برای انجام امور خیر از جمله حسب است مگر آنکه مستشکلی در این مسئله شک کند و بگوید تعاون منحصر در سازمان و تشکیلات نیست، بلکه تعاون به معنای عرفی و معمولی آن از قبیل کمک‌های مالی و زبانی و مانند آن مورد نظر است نه معنای اخص و دقیق آنکه در این صورت هم جواز تشکیلات و سازمان منتفی نمی‌گردد و اگر تشکیلات تنها مصادق مجاز تعاون نباشد لاقلاً یکی از بهترین مصادیق آن است.

روش سازمانی را در کنار روش انفرادی بپذیریم حداقل دلالتی که از آیه می‌توان فهمید نه انحصار، بلکه ضرورت وجود مدیریت سازمانی است همین مطلب برای اثبات مدعای مؤلف کافی است و سیاق آیه گواه است که مقصود اقامه و برقرار کردن است نه صرفاً ادای فردی و انجام وظیفه شخصی زیرا آن را مشروط به مکنت کرده است، در حالیکه ادای فریضه نماز به مکنت نیازی ندارد و بر همه اقشار جامعه واجب است و حتی بعید نیست اگر ادعا شود که اقامه نماز و زکات هم وظیفه همه افراد نباشد و اختصاص به گروهی منسجم آموزش دیده و مأذون باشد و به قول رشید رضا وقتی ظالمی ظلم می‌کند و به وظیفه خود که مشورت گرفتن است عمل نمی‌کند و دیکتاتوری را حاکم می‌کند باید گروهی باشند که او را به مشورت که معروف است امر کنند و چنین امر به معروفی، مستلزم درگیری با ظالمان خودمختار است و برای راست کردن کجی‌های حاکم از فرد کاری ساخته نیست و گروهی منسجم و متحد لازم است زیرا گروه است که شکست دادنش آسان نیست (رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۴-۴۵) و به قول علامه طباطبایی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» گواه تفکر اجتماعی اسلام است؛ زیرا صبر و ایمان را در ضمن رابطه و ارتباط متقابل از ما می‌خواهند و به ما می‌فهماند که از فرد کاری ساخته نیست (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا، المیزان ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»، ج ۴، ص ۱۳۳؛ نیز ر.ک: قرشی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۴۷؛ مطهری، بی‌تا، ص ۶۸).

عمومات تعاون و نظم نیز می‌تواند اثبات‌کننده روش گروهی و دلایلی آشکار بر ضرورت کاربرد تشکیلات و سازمان برای اجرای این وظیفه مهم و مؤید صغرای قیاس مذکور باشد مانند آیه شریفه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» و آیات منع از اختلاف و تشتت و نیز احادیثی چون وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) مبنی بر توصیه به نظم در امور آنجا که می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي نَظْمِ أَمْرِكُمْ...».

۵-۳. نیازمندی به صلاحیت‌های علمی و اخلاقی

همچنان که در بخش‌های پیشین بیان شد وظیفه امر به معروف دارای پیچیدگی‌های فراوانی است و ادای آن به صلاحیت‌های بسیاری به خصوص صلاحیت‌های علمی نیازمند است (در منابع بسیاری سخنانی به این مضمون گفته شده است به‌عنوان مثال رجوع شود به رشید رضا، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۸-۴۰؛ الامینی، ۱۳۹۷ق، ج ۴، ص ۹۱؛ ماوردی، ۱۹۰۸ق، ص ۲۰۹؛ بادکوبه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۲۶ و ۱۲۷) آن هم در حدی که نه تنها خارج از توان افراد عادی است (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۶؛ رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۷) بلکه گاه از توان یک مجتهد جامع الشرایط هم بیرون است و اکثر علمایی که در این موضوع قلم زده‌اند از ذکر این مطلب فروگذار

نکرده و این بُعد از مسئله را به طور مؤکد مورد اشاره قرار داده‌اند (برای مثال می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد: سروش، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۷۵-۲۷۸؛ همایون، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۹-۶۱؛ مطهری، بی‌تا، ص ۷۲ و ۱۶۷ و ۷۰؛ شریعتی، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۲ و ۵۵ و ۵۶).

افزون بر اینها، تصدی این وظیفه به صلاحیت‌های اخلاقی نیز نیازمند است و کسی که خود را مقید به رعایت معروف‌ها و منکرها نمی‌داند شایستگی امر و نهی کردن دیگران را هم ندارد و امر و نهی او اگر هم سودی داشته باشد مانند شراب و قمار است که شرش از نفعش بیشتر است (رشید رضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۳۰-۳۱). هر چند در خصوص شرط عدالت و رعایت موازین شرعی در آمران به معروف نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است؛ اما صاحب‌نظران بسیار این شرط را پذیرفته‌اند و طرفداران جواز تصدی امر به معروف از سوی فاسقان را مورد طعنه و نقد شدید قرار داده‌اند (همان، ج ۴، ص ۳۰ و ۳۱) و حتی بعضی از محققان فقط افراد عارف و علمای عامل را شایسته تصدی این وظیفه دانسته‌اند (اعتماد السلطنه، ۱۳۰۶ ق، ص ۱۱۹ و Ulrik, 2002 p.4).

اگر تصدی سایر ولایات‌ها به داشتن فقاقت مشروط نباشد و ولایت فقیه در آنها به اثبات نرسیده باشد؛ ولی ولایت فقیه در امور حسبیه از قطعیات است و این بدان معنا است که اگر هم کسان دیگر در امور حسبیه ولایت داشته باشند فقها به طریق اولی دارند (نائینی، بی‌تا، ص ۹۸) و لذا هر چیزی که مصادیقی از مصادیق حسبه باشد وظیفه‌ای از وظایف فقیه است (ر.ک: نراقی، ۱۳۸۳ ق؛ یعقوبی، ۱۳۷۷ ق، ص ۶) و دیگران برای تصدی آن امور به اذن فقیه نیازمندند (همان؛ یعقوبی، ۱۳۷۷ ق، ص ۸ به نقل از میرزا جواد تبریزی) و کسی که فقیه نیست حق ندارد بدون اذن فقیه به این‌گونه کارها اقدام کند (همان) و این مطلب خود می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه انجام فردی و شخصی این وظیفه با موازین شرعی سازگار نیست. و حداقل در گرفتن اذن از فقیه جامع شرایط باید تابع ضوابط و اصولی باشد و همین حداقل می‌تواند در مراحل دقیق و پیچیده زمینه‌ساز تشکیل سازمان و طراحی تشکیلات حاضر گردد که بر معنای سازمان قابل تطبیق باشد.

ممکن است کسی در مقام اشکال به این دلیل بگوید مشروط کردن ادای فریضه امر به معروف به اذن فقیه لزوماً به معنای تشکیلاتی و گروهی بودن این فریضه نیست، بلکه می‌توان استیذان از فقیه را در اجرای فردی این دو فریضه نیز تصور کرد و پذیرش این اشکال، کلیت این استدلال مخدوش می‌شود و (ذا ورد الاحتمال بطل الاستدلال) اما در پاسخ می‌توان گفت که گرچه مؤلف منکر ضرورت روش فردی نیست؛ اما صرف استیذان ملازمه با سازمانی شدن و تشکیلاتی بودن دارد؛ زیرا استیذان از فقیه به معنای قبول مرکزیت و محوریت فقیه در فعالیت‌های اجتماعی از جمله امر به معروف است و قبول امامت و محوریت چیزی جز قبول یک نظام و سازمان نیست؛

زیرا در جوامع پیچیده در بسیاری از حالات مقید کردن جامعه به استیذان از فقیه خودبه‌خود به ایجاد تشکیلات و سازمان منجر می‌شود و زمینه‌ساز آن است؛ زیرا تشکیلات و سازمان رکن اساسی اش محوریت و رهبری است و هر جا رهبری باشد سازمان نیز به وجود می‌آید و رکن اصلی هر سازمان، رهبری و نظام‌مندی آن است و طبیعی است که با قبول این حق برای فقیه در حقیقت همه فعالیت‌ها بر محور فقیه، سازمان می‌گیرد و هماهنگ و هدفمند می‌شود و حتی اگر فقیه، حاکم سیاسی نباشد و از نظم و تشکیلات حکومتی هم برخوردار نباشد باز هم استیذان از فقیه اگر به صورت قاعده‌ای عام درآید و همه خود را ملزم به آن بدانند نتیجه‌اش سازمانی شدن و ایجاد تشکیلات بر محور فقه و فقاہت خواهد بود.

آنچه شرع می‌پسندد تصدی جمعی و تشکیلاتی آن با نظارت فقیه است و دلیل اثبات این مدعا همه ادله اجتهاد و تقلید است افرادی که موظف‌اند، اگر خود، مجتهد نیستند، همه اعمال ریز و درشت خود را با تقلید از مجتهدی جامع الشرایط انجام دهند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷). چگونه ممکن است مجاز باشند که وظیفه امر به معروف با آن همه پیچیدگی را بدون اذن از فقیه و هماهنگی با او انجام دهند؟ و بدین‌سان همه ادله اثبات ولایت فقیه و حکومت اسلامی ادله اثبات روش گروهی نیز خواهد بود و هر کس به قدر متیقن ولایت فقیه که ولایت در امور حسبه می‌باشد معتقد باشد به اجرای سازمانی این وظیفه نیز معتقد می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۶، ص ۱). اشکال دیگری که ممکن است به این استدلال گرفته شود این است که کسی بگوید که در این تحلیل معنای سازمان آنقدر موسع تصور شده که شامل جامعه نیز می‌شود و در آن صورت جامعه با سازمان تفاوتی ندارد و مدعای مؤلف که ضرورت سازمان به معنای خاص آن است ثابت نمی‌شود؛ بلکه ضرورت سازمان به معنای جامعه و اجتماعی بودن این وظیفه اثبات می‌شود که خارج از محل نزاع است؛ اما در پاسخ می‌توان گفت گرچه در بدو امر چنین به نظر می‌رسد؛ اما محور اصلی هر سازمانی رهبری و مدیریت بر محور واحد است و هر جا که اذن شرط شود در حقیقت گام نخستین برای تشکیل سازمان برداشته شده است نه رهبری بدون سازمان امکان‌پذیر است و نه سازمان بدون رهبری و این دو لازم و ملزوم همدیگرند و هر فعالیت روشمند با رهبر واحد در شرایط پیچیده و چند بعدی به ناچار به یک سازمان تبدیل می‌شود و جامعه گرچه به معنای دقیق کلمه سازمان نامیده نمی‌شود؛ اما در مواردی ضرورت‌های جامعه باعث می‌شود که از دل جامعه سازمان‌های مختلفی به وجود می‌آید و در حقیقت جامعه به چندین و چند سازمان در هم تنیده و مرتبط با هم تجزیه می‌شود.

۶. نقاط قوت روش سازمانی

شاید وجود چنین دلایلی، مبتنی بر چنین ضرورت‌هایی بود که جوامع اسلامی نخستین در عهد خلفای عباسی را متقاعد ساخت که اجرای این وظیفه خطیر بدون تشکیلات و سازمان‌دهی میسر نمی‌گردد و باید آمرین به معروف و ناهیان از منکر به فکر جلب همکاران و دستیارانی باشند (الشیخلی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۰؛ بادکوبه، ۱۳۷۶، ص ۱۵) و بدین سان سازمانی تحت عنوان "حسبه" برای اجرای گروهی و تشکیلاتی این دو فریضه تشکیل گردیده است (ابراهیم، ۱۳۷۰، ص ۴۹۸؛ صرامی، ۱۳۷۷، ص ۴۶؛ علی، ۱۳۵۲، ص ۳۶۱ و میانجی، ۱۳۶۳، ص ۱۰).

این سازمان که می‌توان آن را ابتکار جوامع اسلامی و مبنای نظری آن را فریضه امر به معروف و نهی از منکر دانست تا چندین قرن در جوامع اسلامی وجود داشته و به حیات خود ادامه می‌داده است (ساکت، ۱۳۶۵، ص ۳۷۰ به بعد) با بررسی تاریخی، به طور پراکنده در آثار تاریخی می‌توان بخش‌هایی از فعالیت این سازمان و روش‌های کاری آن را شناسایی کرد (برای نمونه ر.ک: قلقشندی، بی تا، ج ۵، ص ۴۵۲، ج ۳، ص ۴۸۳؛ متز، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۲۸۱، ج ۲۰، ص ۲۸۱؛ ماجد، ۱۹۷۲، ج ۱، ص ۱۷۲).

هر چند فعالیت‌های این سازمان خالی از ضعف و کاستی نبوده و بررسی این نواقص تحقیق مستقلی را می‌طلبد؛ اما نقاط قوت بسیاری نیز در این روش موجود بوده که به بعضی از آنها به عنوان مؤید دلایل ارائه شده در ضرورتش اشاره می‌کنیم.

۶-۱. نداشتن مشکلات روش انفرادی

یکی از نقاط قوت این روش، که شاید همین نقطه قوت، عامل اصلی به وجود آمدن این روش باشد این است که آفات روش انفرادی را ندارد و آن نقاط ضعفی که برای روش انفرادی بیان شده است و ما در آثار دیگرمان به آنها اشاره کرده‌ایم، مانند عوام‌زدگی و بی‌نظمی و اختلال نظام و تأثیرگذاری محدود و مانند آن (رضایی‌راد، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰) در این روش تا اندازه زیادی برطرف می‌شود؛ زیرا با توجه به سازمانی و تشکیلاتی بودن آن، بی‌نظمی و هرج و مرج کمتر می‌شود و کسانی که بدون برنامه و اذن و بدون هماهنگی وارد این عمل شوند قابل شناسایی خواهند بود و در صورت نادرستی روش آنها و در صورت عدم هماهنگی آنها با سایر گروه‌ها خود به خود از صحنه حذف و منزوی می‌گردند.

می‌گویند یکی از علت‌های شکست و انقراض خوارج این بود که در امر به معروف پیرو منطق نبودند و بدون توجه به روش‌های منطقی چه در موقع مناسب و چه در موقع نامناسب به امر به

معروف می‌پرداختند و گاهی به‌طور صریح و با لحن تند، حکام جائز را نهی از منکر می‌کردند و او هم بلافاصله دستور قتل آنها را صادر می‌کرد (مطهری، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۱۹۱). گرچه نبودن عقلانیت در هر امری از جمله اجرای امر به معروف لزوماً در روش انفرادی نیست و ممکن است جهالت‌ها و روش‌های جاهلانه در روش‌ها گروهی و سازمانی نیز وجود داشته باشد؛ اما این جهالت‌ها و افراط و تفریط‌ها بی‌شک در روش انفرادی و متفرقه بیشتر و غیرقابل کنترل خواهد بود؛ زیرا سازمان بنا به ذات خود نظام‌مند، هدف‌مدار و دارای روش و برنامه است و با فکر جمعی و مشورت گروهی اداره می‌شود و در جمع و شورا خطاها کاهش یافته و برنامه‌ها تبیین و طراحی می‌شود و قابل شناسایی و نقد و اصلاح می‌شود. اما در روش‌های پراکنده و انفرادی سلیقه‌ها و نظرهای شخصی اجرای این دو فریضه را غیر قابل پیش‌بینی و مهارناپذیر می‌سازد.

صرف نظر از نظام‌مندی نقدپذیری و هدفمندی روش سازمانی اقتدار و توان اجرایی نیز در این روش افزایش می‌یابد تردیدی نیست. اگر حاکم ظالم توسط گروه‌های منسجم و تشکیلاتی مورد انتقاد قرار گیرد مؤثرتر واقع خواهد شد و امکان سرکوبی و آزار منتقدان به شکل محسوسی کاهش خواهد یافت و به قول رشید رضا شکست دادن یک فرد آسان است؛ اما شکست دادن یک گروه کار آسانی نیست (رشیدرضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۵-۴۴۵).

شاید به سبب چنین آشفتگی‌ها و خشونت‌هایی است که بعضی از علمای اهل سنت در صدد بیان محدودیت‌های فراوان برای امر به معروف برمی‌آیند و می‌کوشند آن را به دوش یک گروه و سازمان بگذارند (لمبتون، ۱۳۸۰م، ص ۷۵).

به دلیل وجود تشکیلات و امکان توسعه این سازمان و جذب و آموزش افراد مستعد و علاقه‌مند مشکل تخصیص اکثر نیز مرتفع می‌گردد و این، مشابه همان روشی است که احزاب سیاسی یا سازمان‌های مردمی مسلح به کار می‌گیرند و به تربیت نیرو می‌پردازند.

از همه این موارد که بگذریم مسئله مهم‌تر این است که در این روش دایره تأثیر عمل بسیار زیاد است؛ زیرا همچنان‌که پیش از این نیز گفته شد امر به معروف در بسیاری از موارد به عده و عده نیاز دارد و بدون وجود نیروی انسانی کافی و تجهیزات لازم به نتیجه نمی‌رسد و از آنجا که در این روش امر به معروف از سوی یک سازمان منسجم و به صورت کار گروهی و با برنامه‌ریزی انجام می‌شود، از امکانات و نیروی انسانی به بهترین روش استفاده می‌شود و قطره‌های به هم پیوسته دریا می‌شود و لذا تأثیر عمل بالا می‌رود و دست ظالمان و فاعلان منکر و حامیان آنان از اینکه به راحتی به نابودی و سرکوبی آمران به معروف بپردازند بسته می‌گردد و به قول رشید رضا، الامه لا تخاف ولا تغلب: امت جماعت سازمان یافته است که ترس ندارد و کسی بر او پیروز نمی‌شود

(رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۵). چه بسیار حکومت‌هایی که وجود سازمان‌های مبارزاتی و فعال را بزرگ‌ترین مزاحم برای اهداف و سیاست‌های خود می‌دانند و از هر تلاشی برای سرکوب و نابودی آنها استفاده می‌کنند و آنها را مانند خاری در گلوی خود می‌دانند که به‌عنوان مثال می‌توان به سازمان‌های چریکی در رژیم سابق ایران و به گروه‌های مبارز فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد.

۶-۲. امکان پرسش‌گری و پاسخگویی

یکی از نقاط قوت این روش، آن است که این سازمان در صورت انجام عملی نادرست و ایجاد تبعات نامطلوب می‌تواند مورد بازخواست قرار گیرد و ملزم به جبران خسارت شود؛ زیرا در این روش امر به معروف توسط گروهی تعریف شده و با افراد شناخته شده و مسئولینی مشخص انجام می‌شود. در حالی که در روش انفرادی به دلیل نامشخص بودن مجریان هر فردی می‌تواند مدعی انجام عملی گردد و هر فردی در عین حال می‌تواند نسبت به عواقب عمل از خود سلب مسئولیت نماید و دخالت خود را در آن انکار کند و چنانچه عواقب نامطلوب به بار آید معلوم نیست چه کسی باید مورد بازخواست قرار گیرد و در چنین وضعیتی این احتمال قوت می‌گیرد که افراد سودجو و فرصت‌طلب زیر پوشش امر به معروف به اعمال ناشایست و به تسویه حساب‌های شخصی دست بزنند و به اصطلاح از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

پاسخگو بودن نظام‌های اجتماعی خود از موازین شرعی (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۳۹) و از اعراف معروف‌هاست و لذا سازمان امر به معروف هم نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. مگر نه این است که مطابق تعالیم قرآن کریم و احادیث اسلامی، هیچ‌کس نمی‌تواند مسئولیت گناه دیگری را به عهده بگیرد (قرآن کریم، انعام، آیه ۱۶۴ و اسراء، آیه ۱۵، فاطر، آیه ۱۸، زمر، آیه ۷، نجم، آیه ۳۷).^۱ هر انسانی در گرو اعمال خویش، مسئول آنها است (قرآن کریم سوره طور، آیه ۲۱ و سوره مدثر، آیه ۳۸) از هر کاری که پاسخگوی مشخصی ندارد و پاسخگویی در برابر آن میسر نباشد باید اجتناب کرد. امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «إِحْدَرَمَنْ كُلِّ عَمَلٍ سئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَ وَ اعْتَدَرَ مِنْهُ» از کاری که صاحبش حاضر به قبول مسئولیت آن نباشد اجتناب کن. (نهج البلاغه، المعجم المفهرس، نامه ۶۹، بند ۳) اگر امر به معروف مسئول مشخصی نداشته باشد به دلیل نامعلوم بودن مجریانش و عدم امکان پاسخگویی و

۱. در تمامی این آیات به‌طور صریح ذکر شده است که هیچ‌کس نمی‌تواند به عهده گیرنده گناه دیگری باشد و لازمه این معنا آن است که هر کس مسئول اعمال خویش و باید پاسخ‌گوی آنها باشد در آیات دیگر نیز به‌طور ضمنی به این مسئله اشاره شده است.

بازخواست، امر به معروف زمینه‌ساز ناامنی و سوءاستفاده فرصت‌طلبان و ظالمان و لذا سلطه‌اشرار و ظالمان بر صالحان و مظلومان خواهد بود و این چیزی است که با فلسفه و اهداف امر به معروف در تضاد است^۱ و نمی‌تواند امر به معروفی باشد که اسلام از ما خواسته است و لذا روش سازمانی از این رو بر روش انفرادی برتری دارد که در آن امکان بازخواست و پاسخگویی وجود دارد و زمینه‌ساز هرج و مرج و ناامنی و سوءاستفاده نمی‌گردد. ممکن است کسی در مقام اشکال به استظهاری که به این روایت شده است چنین بیان کند که این حدیث در مقام بیان این مطلب است که هر عملی که صاحبش آن را انکار می‌کند یا عذرخواهی می‌کند اجتناب کن یعنی کاری نکن که بعداً مجبور شوی آن را انکار کنی یا عذرخواهی کنی؛ اما در پاسخ می‌توان گفت که اعتذار اگر به معنی عذرخواهی و ندامت هم باشد به معنای عذرآوردن و عدم پذیرش مسئولیت هم هست و قرینه «سئل عنه» در قبل از آن می‌تواند قرینه بر ترجیح معنایی باشد که مؤلف برداشت کرده است و ماحصل معنا براساس برداشت مؤلف این است که از کارهایی که مسئولیت‌پذیری نیست و امکان سؤال و پاسخگویی وجود ندارد و انجام‌دهنده می‌تواند انکار کند پرهیز کن چه خودت انجام دهنده آن عمل باشی چه کارهایی باشد که به دیگران واگذار می‌کنی گویی که امام می‌خواهد به شیوه صحیح تقسیم کار و نحوه مدیریت نیروی انسانی اشاره کند.

۶-۳. داشتن پشتوانه اجتماعی

حفظ استقلال حسبه یک اصل است و در صورت عدم آن ممکن است تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار گیرد و فلسفه وجودی خود را از دست بدهد و لذا عقل حکم می‌کند که حسبه به هیچ قدرت سیاسی یا اقتصادی وابسته نباشد (همراه‌دوست، ۱۳۷۷ش، ص ۳۲ و ۳۳) و سازمان حسبه از آنجا که به علمای دینی و مردم متدین متکی است و توسط آنها اداره می‌شود موتور حرکت آن ایمان و تدین مردم است و مادام که دین و روحیه دینی در مردم زنده باشد سازمان حسبه نیز مستقل و زنده باقی می‌ماند همچنان که حوزه‌های علمیه شیعه به دلیل عدم وابستگی به حکومت‌ها توانسته‌اند استقلال خود را نگه دارند؛ ولی حوزه‌های علمیه اهل سنت به دلیل دولتی شدن از خطر وابستگی متأثر شده و به صورت سخنگوی رسمی دولت مرکزی در آمده‌اند (ر.ک: مطهری، مقاله «مشکل اساسی سازمان روحانیت» از کتاب بیست گفتار) بنابراین امر به معروف سازمانی، مادام که مردم حامی ارزش‌ها و پیرو علمای دینی باشند می‌تواند با کمک‌ها و همراهی مردم و با هدایت

۱. زیرا یکی از اهداف این دو اصل امنیت و عدالت و جلوگیری از سلطه‌اشرار است و در روایات گفته شده در صورت ترک این دو فریضه اشرار بر شما مسلط می‌شوند و لذا اگر امر به معروف باعث سلطه اشرار شود نقض غرض است و خلاف آنچه از آن مورد نظر بوده است.

علمای عامل، به دفاع و حفظ ارزش‌ها ادامه دهد و حتی در مقابل خطرناک‌ترین ظالمان و جباران ایستادگی کند.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بنیادی و مورد اتفاق همه فرق اسلامی و بلکه ادیان و ملل دیگر جهان هستند و حتی در کلیت و ضرورت آن همه عقلای جهان اتفاق نظر دارند؛ اما هیچ‌گاه، در طول تاریخ، آن چنان‌که شایسته شأن و متناسب با اهداف آنهاست مورد توجه و عنایت جوامع اسلامی قرار نگرفته‌اند.

این مطلب علت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد که در این تحقیق، نبودن نگرش سازمانی و تشکیلاتی در اجرای آنها و پراکنده و انفرادی بودن اعمال انجام شده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این علت‌ها پذیرفته شده است و با دلایل عقلی و شرعی ثابت شده است که امر به معروف و نهی از منکر در ماهیت ذات خود اصولی اجتماعی و گروهی هستند و بدون کار گروهی و مدیریت سازمانی به اهداف و نتایج مطلوب خود نمی‌رسند.

دلایلی که برای اثبات این مدعا ارائه می‌شود به اختصار عبارتند از:

۱. به کار رفتن واژه‌هایی چون "امت" و "منکم" در ادله نقلی این دو اصل؛
۲. نیازمندی اجرای این دو وظیفه به قدرت و تمکن و نیروی انسانی کار آمد؛
۳. مشروط بودن وجوب این دو وظیفه به وجود صلاحیت‌های علمی و اخلاقی خاص در مجریان آنها.

در بخش دیگر این تحقیق با مطالعه بعضی از فعالیت‌های سازمان حسبیه که در جوامع اسلامی قدیم متصدی اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بوده است نقاط قوت آن سازمان و روش سازمانی اجرای امر به معروف در عناوین زیر به‌عنوان مؤید و پشتیبان ادله یاد شده مورد دقت قرار می‌گیرد:

۱. نداشتن مشکلات روش انفرادی از قبیل عوام‌زدگی و هرج و مرج و محدودیت دایره تأثیر و سطحی‌نگری؛
۲. امکان شناسایی و پاسخگویی؛
۳. داشتن اقتدار مردمی و امکان عضوگیری و عدم انحصارطلبی.

پیشنهاد

پیشنهاد می‌شود سازمانی متشکل از بهترین و سالم‌ترین و خوش سابقه‌ترین افراد از میان اقشار مختلف تشکیل شود و آرمان‌ها، اهداف و وظایف آن مشخص و در مجموعه‌ای مکتوب شود و بدون وابستگی مالی به دولت و هیچ گروه سیاسی خاص و با امکان ارتباط مستقیم با مردم و با مدیریت علمای دینی و اساتید دانشگاه و دیگر شخصیت‌هایی که دارای نفوذ معنوی و مقبولیت عامه هستند اداره شود و در هر مجموعه‌ای از مجموعه‌های انسانی اعم از دولتی و غیردولتی مانند بازارها و اماکن تفریحی، گروهی از سوی این سازمان مستقر شوند و با مشاهده هرگونه فعل منکر یا ترک معروف یا وصول گزارشات مردمی اقدامات لازم را با توجه به موازین اخلاقی و شرعی در جهت پیشگیری یا رفع آنها اقدام کنند و در صورت لزوم از کمک‌های نیروی انتظامی و قوه قضائیه بهره‌گیری کنند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که نحوه همکاری قوه قضائیه و نیروی انتظامی در دستور کار این قوا

قرار گیرد و قوانین مربوطه برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شود.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. آبرو کرومبی، نیکلاس (۱۳۷۶ش)، فرهنگ جامعه‌شناسی، مترجم: حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
 ۲. آیتی، اسلامی، عباسغلی (بی‌تا)، دو از یاد رفته امر به معروف و نهی از منکر، تهران: ایران، فدک.
 ۳. الامینی، عبدالحسین، احمد (۱۳۹۷ق)، الغدير فی الكتاب والسنة والادب، بیروت: دارالکتاب العربی.
 ۴. ابراهیم، حسن (۱۳۷۰ق)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
 ۵. ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد بن هبه الله بن محمد بن محمد بن محمد الحسین المدائنی (۱۹۵۹م)، شرح نهج البلاغه، التحقيق محمد ابوالفضل ابراهیم، المطبعة منشور مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی.
 ۶. ابن اخوه (محمد بن احمد قریشی) (۱۴۰۹م)، معالم القربه فی احکام الحسبه، تحقیق: دکتر محمود شعبان، مصر، هیئه المصریه العامه للکتاب.
 ۷. ابن خلدون المغربی، عبد الرحمن (۱۳۵۲ق)، المقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 ۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی‌تا)، البدايه و النهايه، بیروت: نشر دارالفکر.
 ۹. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۰۶ش) المآثر و الآثار، تهران: دارالطباعه خاصه دولتی، چاپ سنگی.
 ۱۰. امام خمینی، روح الله موسوی (بی‌تا)، تحریر الوسيله، قم: انتشارات قدس محمدی.
 ۱۱. بصری ماوردی شافعی، الحسن علی بن محمد بن حبیب (۱۹۰۸م)، احکام السلطانيه و الولايات الدينيه، با مشارکت قاضی ابویعلی محمد بن حسین (۱۳۸۶ق)، الفراء، قاهره، مصر: دارالفکر.
 ۱۲. بنی حسینی، صادق (۱۳۷۲ش)، ادیان و مذاهب جهان، قم: نشر وزیری.
 ۱۳. بیانی، شیرین (۱۳۷۱ش)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ویراسته‌های عالم‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 ۱۴. پیرو، آلن (۱۳۷۰ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر ساروخونی، تهران: نشر کیهان.

۱۵. تفتازانی، مسعود (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، تحقیق: عبد الرحمن عمیره، بیروت.
۱۶. جرجانی، علی بن محمد (۱۳۲۰ق)، شرح المواقف، التحقيق: بدرالدین نعلانی، قاهره.
۱۷. جزائری، سید عبدالله بن نعمه الله (بی تا)، التحفه السنیه فی شرح نخبه المحسنیه (مخطوط)، بی جا، نسخه میکروفیلم کتابخانه آستان قدس، شماره عمومی در کتابخانه ۲۲۶۹.
۱۸. الجوینی، عبدالملک (۱۳۶۹ق)، الارشاد، محقق محمدیوسف موسی و علی عبدالعظیم عبدالمجید، قاهره.
۱۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله الفسطنطینی، الرومی الحنفی (۱۴۱۳ق)، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. حب الله، حیدر (۱۳۹۶ش)، فقه امر به معروف و نهی از منکر، مترجم: الهی خراسانی، علی؛ حسینعلی شیروی، و محمدرضا ملایی، مشهد: چاپ بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تعلیق: عبدالرحیم الربانی الشیرازی، دارالحیاه التراث العربی.
۲۲. حلی، ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر، الحاوی لتحریر الفتاوی، التحقيق: لجنة التحقيق، قم: الناشر مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۳. خویی، ابوالقاسم الموسوی (۱۴۱۰ق)، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، تألیف میرزاعلی التبریزی الغروی، تنقیح درس آیه الله سید ابوالقاسم موسوی خویی، قم: دارالهادی.
۲۴. دشتی، محمد (۱۴۰۴ق)، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، با همکاری کاظم محمدی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. رشید رضا، محمد (۱۴۱۲ق)، تفسیر المنار، قم: ایران، مؤسسه دارالکتاب.
۲۶. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه.
۲۷. ری شهری، محمدی (۱۴۰۴ق)، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۸. زمخشری، محمود (بی تا)، الکشاف، لبنان: دارالمعرفه، لبنان.
۲۹. ساکت، محمدحسین (۱۳۶۵ش)، نهاد دادرسی در اسلام، مشهد: ایران، نشر آستان قدس رضوی.
۳۰. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۱ش)، حکمت و معیشت، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۳۱. شریعتی، علی (۱۳۷۸ش)، شیعه مجموعه آثار ۷، نشر الهام، دفتر تدوین و تنظیم آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی.

۳۲. شهید اول، ابی عبدالله محمد بن مکی العاملی (۱۴۱۲ق)، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم: انتشارات صادق.
۳۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی (بی تا)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه (شرح لمعه)، نجف، عراق: جامعه النجف الدینیة.
۳۴. الشیخلی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲ش)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران.
۳۵. صرامی، سیف الله (۱۳۷۷ش)، حسبه یک نهاد حکومتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۶. الطباطبایی، علامه سیدحسن (بی تا)، المیزان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. علی، سید امیر (۱۳۵۲ق)، مختصر تاریخ العرب و التمدن الاسلامی، قاهره: مطبعه العثمانیه المصریه.
۳۸. الغزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۳۵۲ق)، احیاء علوم الدین، مصر: مطبعه العثمانیه المصریه.
۳۹. فیض کاشانی محمد بن المرتضی (۱۳۷۰ش)، الوافی فی شرح الاصول الکافی، اصفهان: مکتبه الامیرالمؤمنین (علیه السلام).
۴۰. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲ش)، آزادی در فقه و حدود آن، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۱. قرشی، علی اکبر (۱۳۵۲ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. قلقشندی، ابی العباس احمد ابن علی (بی تا)، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، دارالکتب المصریه و وزاره الثقافیه القومیة.
۴۳. کولب، ویلیام، گولد، جولیس (۱۳۸۴ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر برهام، ویراستار محمدجواد زاهدی، تهران: نشر مازیار.
۴۴. کوئن، بروس (۱۳۹۵ش)، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ناشر توتیا.
۴۵. گلپایگانی (الموسوی گلپایگانی)، محمدرضا (۱۴۱۴ق)، مجمع المسائل، قم: ناشر مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
۴۶. لقبال، موسی (۱۹۷۱م)، الحسبه المذهبیه فی بلاد المغرب العربی، الشركة الوطنیه للنشر والتوزیع.
۴۷. لمبتون، آن.کی.اس (۱۳۸۰ش)، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق: سیدعباس صالحی و محمد مهدی فقهی، تهران: چاپ و نشر عروج.

۴۸. ماجد، عبد المنعم (۱۹۷۲م)، تاریخ الحضاره الاسلامیه فی العصورالوسطی، قاهره: مصر، مکتبه الانجلو المصریه.
۴۹. متر، آدام (۱۳۷۸ق)، الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجرى (عصرالنهضة الاسلامیه)، بیروت- لبنان: دارالمکتب العربیه.
۵۰. مطهری، مرتضی (بی تا)، بیست گفتار، قم: ایران، صدرا.
۵۱. _____، (۱۳۶۸)، حماسه حسینی، تهران و قم: انتشارات صدرا.
۵۲. _____، (بی تا)، ده گفتار، قم، ایران، صدرا.
۵۳. المقریزی، تقی الدین ابن عباس بن علی، (۸۵۶ق)، الخطط المقریزیه، دارصادر، بیروت: لبنان.
۵۴. النجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محقق: عباس القوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۵. النراقی، محمدبن مهدی (۱۳۸۳)، جامع السعادات، النجف: جامعه النجف الدینیّه.
۵۶. همایون، محمدهادی (۱۳۷۴ش)، تبلیغات یک واژه در دو حوزه، مرکز چاپ و نشر فرهنگى سازمان تبلیغات اسلامی، [بی جا].

مقالات

۵۷. امیرکاو، سعید (۱۳۹۳ش)، «نظارت اجتماعی در اسلام»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، دوره ۷، ش ۲، ص ۹-۳۴.
۵۸. جوان آراسته، حسین (۱۳۷۹ش)، «امت و ملت نگاهی دوباره»، مجله حکومت اسلامی، سال ۵، ش ۲، ص ۱۵۸-۱۷۳.
۵۹. خیری حسن (۱۳۹۴ش)، «بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۲۳۷-۲۶۲.
۶۰. رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۸۹ش)، «دولتی شدن امر به معروف پیامدها و راهکارها»، مجله پژوهش نامه علوم سیاسی، سال ۶، ش ۱، شماره مسلسل ۲۱، ص ۱۰۹-۱۳۵.
۶۱. _____، (۱۳۹۰ش)، «دگرگونی‌های نظارت اجتماعی در تمدن اسلامی»، مجله اسلام و علوم اجتماعی، سال سوم، بهار و تابستان، ص ۱۴۵-۱۶۷.
۶۲. سری، ابوالقاسم (۱۳۷۸ش)، «منصب محتسب در ایران»، مجله حکومت اسلامی، ش ۱۳، پاییز، ص ۱۵۱-۱۷۴.

۶۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۶)، «مقاله دیدگاه حکومتی در نظریه حسبه»، مجله حکومت اسلامی، ش ۳، بهار، ص ۱۴-۲۰، قم: ایران.
۶۴. میانجی، احمد (۱۳۶۳)، «خمس در کتاب و سنت»، مجله نور علم، ش ۴، دوره دوم، ص ۴۵-۵۹.
۶۵. یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۷ش)، «حسبه و ولایت فقیه»، فصلنامه حوزه شماره ۸۵ و ۸۶، ص ۱۶۷-۳۳۹.

پایان نامه‌ها

۶۶. بادکوبه هزاه، احمد، حسبه در سرزمین‌های شرق اسلامی از آغاز تا سقوط بغداد، پایان‌نامه دوره دکترا دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، رشته تاریخ و تمدن اسلامی ۱۳۷۶ش، تهران، ایران.
۶۷. همراه دوست، بهروز، نمایی از حسبه در اسلام و نهادهای آن در جمهوری اسلامی، پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش، تهران ایران.

منابع لاتین

68. Morris, Jonowitz, (Jul., 1975), "sociological theory and social control" by the university of Scocaity, American Journal of Sociology, Vol. 81, No. 1, pp. 82-108, published by The university of Chicago.
69. P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel and W.P. Heinrichs, (2017), *Heinrichs Encyclopaedia of Islam, Second Edition*.
70. Shafaat, ahmad, (2003), *commanding good and forbidding evil*, HTTP, saif tripod com/ explore/dawah/.htm.
71. Ulrike, Freitage, (2002), "Commanding right and forbidding wrong inIslamic", thouth department of SOAS <http://Histori.as.ur/welcome.htm>.